

سبقت‌گویی

اُستادانه

همانند یک اُستاد یاد بگیرید!

خلاصه کتاب اخلاق اسلامی مهدی علیزاده

فهرست مطالب

۲	کلیات.....
۴	فصل اول: انسان شناسی.....
۷	فصل دوم: مقصد رشد اخلاقی.....
۹	فصل سوم: موانع رشد.....
۱۱	فصل چهارم: امکانات رشد.....
۱۳	فصل پنجم: برخورداری های شخصیت کامل اخلاقی.....
۱۶	فصل ششم: نقش اخلاق در شکل گیری جامعه مطلوب.....
۲۰	فصل هفتم: آسیب شناسی رابطه با خود.....
۲۳	فصل هشتم: بهبود رابطه با خود (اخلاق فردی حداقلی).....
۲۶	فصل نهم: رابطه ایده آل با خود (اخلاق فردی حداکثری).....
۲۹	فصل دهم: آسیب شناسی رابطه با خود.....
۳۲	فصل یازدهم: بهبود رابطه با خدا (اخلاق بندگی حداقلی).....
۳۴	فصل دوازدهم: رابطه مطلوب با خدا (اخلاق بندگی حداکثری).....
۳۸	فصل سیزدهم: آسیب شناسی رابطه با دیگران.....
۴۰	فصل چهاردهم : بهبود رابطه با دیگران (اخلاق اجتماعی حداقلی).....
۴۳	فصل پانزدهم: رابطه مطلوب با دیگران (اخلاق اجتماعی حداکثری).....

اخلاق هم می‌تواند به معنی اخلاق ظاهری و هم به معنای اخلاق باطنی باشد که زیبایی در اخلاق باطنی به بد و خوب تعبیر می‌شود اخلاق از نوع اسلامیان اینگونه تعریف می‌شود اخلاق در رویکرد عمومی دین همان شکوفایی فطرت است که بر شناخت خاصیت انسان استوار می‌گردد و انسان شناسی اخلاقی انسان شناسی تحولی است است یعنی انسان در حال حرکت را موضوع خود قرار می‌دهد.

جایگاه اخلاق در دین

آموزه های اسلام سه بخش است که عبارتند از،

عقاید: توصیف جامعه ای از آفرینش با بیان اثرگذارترین عناصر نقش آفرین آن است که آغاز و انجام هستی را در یک نظام منسجم تفسیر کند برخورداری از اعتقاد صحیح یکی از اعمال یا صفات اختیاری انسان است که قضاوت اخلاقی درباره آن رواست.

اخلاق: گزاره های اخلاقی از تاثیر صفات و منش انسان بر سعادت وی حکایت میکند. فقه: در قسمتی از دین باید ها و نباید های حقوقی به اسم میشود که برای تنظیم حدود قانونی می باشد و در بخش دیگر شروط صحت عبادات بیان می‌گردد که به تبیین قالب های آیینی می پردازد.

اخلاق

اخلاق در لغت جمع خلق به معنای سجیه یا صفت پایدار در نفس است و در اصطلاح دانشی است که به بیان اوصاف ارزشی افعال و صفات اختیاری و راه کسب یا اجتناب از آنها می پردازد گزاره اخلاقی به دو بخش موضوع و محمول تبدیل می‌شود که ارزش موضوع اخلاق به اختیاری بودن آن است. محمول گزاره اخلاقی بر چهار مفهوم ارزش گذاری می‌شود خوب و بد درست و نادرست باید و نباید حق و وظیفه.

گستره دانش اخلاق

علم اخلاق مشتمل بر چند حوزه است که عبارتند از: اخلاق بندگی، اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق زیست محیطی. منظور از اخلاق بندگی هنجارها و ناهنجاری هایی مثل ایمان خوف توکل کف و غیره به خداست که به رابطه انسان و خدا مربوط می‌شود اخلاق فردی ارزش های اخلاقی مربوط به حیات فردی انسان هاست مثل فضیلت های صبر حکمت و رذیلت های پرخوری و سبک مغزی منظور از اخلاق اجتماعی ارزش ها و ضد ارزش های حاکم بر رابطه فرد با انسان ها است مثل عدل و حسد اخلاق زیست محیطی نیز احکام ارزشی حاکم بر مناسبات انسان با طبیعت است.

تربیت اخلاقی



فرایند درونی سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری شخصیت انسان بر اساس ویژگی‌های انسان کامل است که مسیر گذار از وضعیت موجود به سوی قله کمال را باز می نماید اخلاق مقصد حرکت انسان را نشان می دهد و تربیت اخلاقی قواعد حرکت انسان به آن سو را نشان می دهد.

اُستادانه دات کام - همانند یک اُستاد یاد بگیرید



پرسشی که در مورد سرشت انسان مطرح می شود این است که آیا انسان ذاتاً و سرشت است یا نیک سرشت اگر انسان فردی بدسرشت است انگیزه تربیت وی چیست؟ از نگاه اسلام از یک سو نظریه فطرت که از مهم ترین ارکان معارف انسان شناسی اسلامی است بر سرشت واحد الاهی و تبدیل ناپذیر همه انسان ها تاکید داشته و از دیگر سو همان طور که به جهان نگاهی مثبت دارد نهاد بشر را نیز تحت تاثیر ظرفیت های شناختی و گرایش های خیر می داند پس آن را مثبت ارزیابی می کند.

ساختار چند ساحتی وجود بشر

ساحت ها و قوای نفس

روح انسان حقیقتی غیر مادی است که از آن به جان و نفس تعبیر می شود نفس انسان دارای چهار توانمندی می باشد که عبارتند از: قوه عقلانی، قوه غضب، قوه شهوت قوه وهم. قوه وهمیه همان روح شیطانی است در پی ارائه راهکارهایی برای رسیدن به خواسته های قوه شهوت و غضب است دروغگویی توسط این قوه برای بشر میسر است. نیروی شهوت مبدا خواسته های آدمی است و کار آن به دست آوردن منافع لذت بخش است که فایده آن حفظ و ادامه حیات فردی و نوعی انسان است و نیروی خشم مبدا خشم و غضب است و کار آن دور کردن خطرها و مبارزه با عواملی است که حیات فرد را تهدید می کند. اگر این دو قوه مهار نشوند به دو منبع شهوت پرستی و درنده خوئی تبدیل می شوند کار کردن نیروی عقلانی آگاهی از حقایق و تشخیص خیر و شر است و سعی دارد هر یک از قوا را از سرکشی بازدارد.

حکما ۴ فضیلت حکمت «اعتدال قوه عاقلانه و تهذیب آن» شجاعت «اعتدال و تهذیب قوه غضب»، عفت «اعتدال قوه شهوت و تهذیب آن» و عدالت را ریشه فضائل انسانی می دانند زیرا اینها از تعدیل یکی از قوای عاقلانه شهوت و فضیلت حاصل می شود. در کل ما با ۸ رذیلت روبرو هستیم گفت در میان افراط و تفریط شره و خمود قرار دارد؛ شجاعت حد اعتدال میان تهور و ترس است؛ حکمت حد وسط جریزه و بله و عدالت نیز میانه ظلم و انظلام است. امام علی نیز به قرار دادن عقل بدون شهوت در فرشتگان و در حیوانات شهوت را بدون عقل در آدمی آن ترکیبی از شهوت و عقل اشاره می کنند.

ظرفیت و توانایی های انسان

انسان از بدو تولد توانایی هایی را کسب می کند که به آن ملکه می گویند که هرکدام از این ملکه صفتی برای جان آدمی دارد آنها به چند گروه تقسیم می شوند عبارتند از:

۱_ملکات جسمانی که در اعضای بدن می باشد و هدف تربیت بدنی است.

۲_ملکات ذهنی به دست آوردن آنها هدف تربیت ذهنی است مانند تمرکز یادآوری تفکر و غیره.

